نوشته شده توسط Administrator
جمعه ۱۰ ارد بهشت ۱۳۸۹ ساعت ۰۶:۲۰ - آخرین به روز رسانی جمعه ۱۰ ارد بهشت ۱۳۸۹ ساعت ۰۶:۳۴

گفت و گوی رادیو زمانه با مهدی فلاحتی به مناسبت انتشار دفتر «آواره با ماه»

قسمت دوم

س - نمونهای از تنکامهسراییهایی که به نظر شما خوب است، سراغ دارید؟ شاید خوانندگان ما بتوانند به این شکل با سلیقه و نظر شما بهتر آشنا شوند.

ج - این قسمت از شعر براهنی را بخوانید تا بدانید منظورم از شعر اروتیک خوب چیست:

زمین به دور تو می چرخد در روز

و شب که می چرخد خود را به دور من می چرخاند شبیه فرفره

که من برهنگی ات را شبانه از بَر کردم

تمامی اریبها و پنهانیها و شیبهای شبیخون فرازهای معراجی فرودهای لذ ید

و غلتهای ریز و یا ریزتر و آبشارهای کوچک و پنهان چشمها و خواب لبها

و انگشتهایی که از لذتی وحشی می لرزیدند هنوز هم می لرزند پدرسگ ها انگار حافظه دارند

نوشته شده توسط Administrator
جمعه ۱۰ ارد بهشت ۱۳۸۹ ساعت ۰۶:۲۰ - آخرین به روز رسانی جمعه ۱۰ ارد بهشت ۱۳۸۹ ساعت ۰۶:۳۴

اجاق مشتعلی از خیال بی در و پیکر که چنگ می انداخت در بسیط لغزشی از یک بساطِ نغزِ لرزیدن

و شعر چیست چیست چیست جز این کشت دادن جوانی تو در خویش!

شعر «از خویشتن تا ماه» هم شاید نمونهیی باشد از تنکامی در شعر منٔ که می توانید در کتاب «ماه، نقش ناخن ماست بر دیوار» بخوانیدش.

س- شما در اشعارتان برای آفرینش ایماژهای شاعرانه از طبیعت الهام می گیرید. آشکارترین نمونهاش: «آواره با ماه» که عنوان کتاب هم هست. گاهی مانند «رؤیای بهار» این تصاویر تکراری به نظر میرسد. گاهی تازگی دارد و فردیت شما را آشکار میکند. مثلاً وقتی که در «ماه سپید» از وحشتتان از آسمان سخن میگویید یا در «نیمکت خالی» که شعر اصولاً بر محور تأویل شخصی نشانهها شکل میگیرد. تفاوت در این تصویرسازیها آیا به این معنا نیست که مهدی فلاحتی در شعرش بین نوعی شعر اجتماعی و شعر فردی سرگردان است؟

ج - نه. دوره های سرگردانی دیریست گذشته است و اکنون دیگر میدانم در کجای سرزمین شعر، محکم و آسوده ایستادهام. نتیجهی تا اکنونی شناخت من از شعر و حس و زبانم در شعر، همین شعرهایی ست که تا امروز شما خواندهاید. شعرهایی که در پرسشتان اشاره کردهاید، در زمانهای متفاوتِ دور از هم سروده شدهاند.

مثلاً «رؤیای بهار»، حدود نوزده سال پیش، نوشته شده، اما «نیمکت خالی»، پنج سال پیش. خب، تجربه و کار چهارده سالهیی فاصله است بین این دو شعر. تردیدی ندارم که «رؤیای بهار»، نسبت به «نیمکت خالی»، شعرِ ضعیفیستٔ اما خواستهام نمونههایی از شعرِ دو دههی گذشته در این دفتر باشد تا شاید آینهیی تمامرخ از خود ارائه داده باشم. البته، از زمان تحویل کتاب به سانسورچی، حدود پنج سال گذشته است و این آینه هم متعلق به پنج سال پیش است!

آقای فلاحتی با علم بر این که حق کتاب شما را نتوانستیم در این گفت و گو کوتاه ادا کنیم، ناگزیریم سخن را به پایان بریم. سپاسگزاریم که وقتتان را به ما بخشیدید.

من هم از شما سپاسگزارم.

با کلیک روی لینک زیر، متن یکپارچه ی این گفتگو را بخوانید:

http://zamaaneh.com/khaak/2010/04/publish_at_28_04_2010.html